آذرماه سال گذشته مدیرکل وقت محیط زیست استان مرکزی اعلام کرد نیروگاه شازند اراک در شبانه‌روز چهار میلیون تن مازوت می‌سوزاند. همچنین در این سال اراک یکی از ۸ کلانشهر آلوده کشور بود که فقط تا آذرماه ۱۰۲ روز ناسالم برای هوای این شهر ثبت شد

بهنام یوسفی/ مهر

«ایران» بحث‌های موافق و مخالف درباره تصمیم دولت را بررسی می‌کند

مازوت یا برق؛ مسأله این نیست

گزارش

مرتضی گل پور
روزنامه نگار

امروز جدول‌های خاموشی ناشی از کمبود تولید برق اعمال می‌شود. علت این کمبود تصمیم دولت برای توقف مازوت سوزی در سه نیروگاه کرج، اراک و اصفهان است. بحث و اظهارنظر درباره این تصمیم دولت بسیار داغ است. محمدعلی ابطحی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب، خاموشی برق در زمستان به خاطر توقف مازوت سوزی را به «پوست خربزه زیر پای دولت پزشکیان» تشبیه کرد. «رجانیوز» از آن با عنوان «دست گل جدید دولت بی‌برنامه» یاد کرد. روزنامه نوپای «چارسوق» هم وزرای نفت و نیرو را «مسببان خاموشی» معرفی کرد. «کیهان» هم نوشت «علت ناترازی، مخالفت با پالایشگاه‌سازی و نیروگاه‌سازی بود، نه مازوت!» در شبکه‌های اجتماعی هم بحث‌های موافق و مخالف با همین شدت درجریان است. اما این بحث‌ها، به طور مشخص‌تر، تیترها و نوع مواجهه برخی رسانه‌ها با مسأله‌هایی از این دست، برای ما تازگی ندارد. سال‌هاست که چنین رسانه‌هایی، به این مسأله‌ها به صورت سیاه و سفید نگاه می‌کنند. آنها مسأله‌هایی که بسیار پیچیده هستند را بسیار ساده می‌بینند. عمدتاً هم بسرعت داستان را به سمت ضعیف بودن مدیریت و کاستی‌های تصمیم‌گیری سوق می‌دهند. فوری نتیجه می‌گیرند که علت توقف مازوت سوزی و بروز خاموشی، ضعف‌های مدیریتی است. و بعد ادامه می‌دهند که اینها خوب نیستند، ما خوب هستیم و فقط ما می‌توانیم این مسائل را حل کنیم. گذشته از اینکه داوری درباره مدیریت برعهده مردم است، اما مسأله اصلاً خوب یا بد بودن مدیریت نیست. مسأله، یعنی مسأله پیچیده‌ای به نام ناترازی برق و مازوت سوزی و کاهش آلودگی هوا، نه تنها راه‌حل ساده ندارد، بلکه راه‌حل یک خطی هم ندارد. اینطور نیست که اگر این برود و آن بیاید، همه چیز درست می‌شود. یا چون این آمده است، ناگهان مسأله ایجاد شده است. مسأله‌ها، مانند همین مسأله اخیر، خیلی پیچیده و زمان‌مند هستند. یعنی مسأله‌ها به نوبه خود تاریخ دارند و محصول تصمیمات و رویه‌هایی در گذشته هستند. سال‌های زیادی گذشته است تا آن رویه‌ها و آن تصمیمات (تصمیمات گرفته شده یا تصمیماتی که باید گرفته می‌شد و نشد) به وضعیت نامطلوب امروز منجر شود. بنابراین حل آن هم نیازمند درک این پیچیدگی، اتخاذ تصمیم‌های پیچیده و چندوجهی و درنهایت قدری زمان برای حل آن است.

یک مسأله پیچیده به نام تولید برق

ابتدا بیایید ابعاد متنوع و پیچیده همین مسأله توقف مازوت سوزی و سپس کمبود برق را باز کنیم. ابتدا باید اشاره کرد که یک دلیل ناترازی در برق، شکاف میان تولید و مصرف است. به عنوان مثال در پنج سال گذشته مصرف سالانه برق در ایران رشد ۲۸ درصدی داشت، اما تولید به طور میانگین بین ۸ تا ۱۰درصد افزایش داشته است. از سوی دیگر، بخش اعظم تولید برق در نیروگاه‌های حرارتی صورت می‌گیرد. ۷۱ نیروگاه گازی، ۲۵ نیروگاه بخاری با ۳۸ نیروگاه سیکل ترکیبی نیروگاه‌های حرارتی کشور را تشکیل می‌دهند. همچنین ۸۲ درصد ظرفیت نیروگاه‌های کشور متعلق به واحدهای حرارتی (گازی، بخاری و سیکل ترکیبی) است. تا اینجا مشخص می‌شود که یک دلیل بروز ناترازی، فاصله پرنشدنی «رشد مصرف و رشد تولید» است. یعنی هرقدر در سال به تولید افزوده شود، باز هم نمی‌تواند به تقاضاهای جدید ایجاد شده پاسخ بدهد. بنابراین می‌توان فهمید همزمان که کشور دچار ناترازی در برق است، نیازهای جدیدی در بخش‌های صنعتی، معدنی یا خانگی تولید می‌شود که اساساً بسختی می‌توان برق آنها را تأمین کرد. یا اینکه هنوز تکلیف تولید لوازم برقی با مصرف کم برق در کشور معلوم نیست. از سوی دیگر این واقعیت که ۸۲ درصد ظرفیت نیروگاه‌های کشور مربوط به واحدهای حرارتی است، عملاً نشان می‌دهد که عمده برق کشور باز هم از طریق نفت و گاز تولید می‌شود. به عبارت دیگر، ثروتی به نام نفت و گاز که باید صرف اموری با ارزش افزوده دیگری شود، به برقی برای مصرف روزمره ما تبدیل می‌شود. این آمارها، از یک واقعیت دیگر هم حکایت می‌کند و آن، شکست کشور در تولید انرژی‌های تجدیدپذیر از باد یا خورشید است. علت این شکست هم این حقیقت است که باوجود نفت و گاز ارزان، وام‌های میلیون دلاری صندوق توسعه ملی و وام‌های ریالی بانک‌ها، ساختن نیروگاه‌های حرارتی سود بیشتری دارد تا ساخت نیروگاه خورشیدی.

آلودگی ماجرا را پیچیده‌تر می‌کند

آنچه بالا گفته شد، نشان می‌دهد که مسأله ناترازی برق، یک مسأله واقعاً پیچیده است. اگر نیروگاه جدید بسازیم، دلارهای آن را باید از صندوق توسعه ملی تأمین کنیم و سوخت آن، یعنی نفت و گازش را از وزارت نفت. تازه اگر این نیروگاه ساخته شود، باز هم دولت برق تولیدی را به قیمتی می‌خرد که خودش تعیین می‌کند، نه قیمت بازار و در مرحله بعد، برق همین نیروگاه تولید شده، باید از شبکه برقی عبور کند که درحال حاضر حدود ۲۰درصد آن عمر ۳۰ ساله دارد و دارای فرسودگی شدید است و تازه به همه اینها باید مسأله آلودگی هوا را نیز اضافه کرد. آنطور که معاون اجرایی رئیس جمهور گفته است، سه نیروگاه حرارتی کرج، اراک و اصفهان سالانه ۱۶۰ میلیون تن آلودگی تولید می‌کنند. این آلودگی‌ها که وارد ریه‌های جوانان، زنان و مردان ایرانی در چهار کلانشهر کرج، تهران، اراک و اصفهان می‌شد در کوتاه مدت یا بلندمدت، باعث بیماری‌ها و مرگ و میرهای بسیاری می‌شد. دست‌کم هزینه‌های درمان حاصل از این بیماری‌ها به نوبه خود، فشار مالی بسیاری را به خانواده‌ها و دولت و نظام بهداشت و درمان کشور وارد می‌کند.

راه حل‌های یک بعدی

یک علت ادامه پیداکردن مسأله ناترازی برق و آلودگی هوا، این بود که هم دولت‌ها و هم ناظران بیرونی، نگاه یک بعدی به مسأله داشتند. عده‌ای می‌گفتند باید نیروگاه ساخت. اما نمی‌گفتند نیروگاه را چه کسی باید بسازد، با رانت وام‌های ارزی چه کسی، نفت و گازش را از کجا بیاوریم یا اینکه برق تولیدی را با شبکه فرسوده انتقال دهیم؟ نکته جالب ماجرا اینجا است که همه راه‌حل‌ها متوجه بخش تولید است. مدام می‌گویند تولید را زیاد کنیم. انگار کسی نه توجهی و نه برنامه‌ای برای ساماندهی عرضه مصرف ندارد.
عده دیگری راه‌حل‌های دیگری داشتند، که آن هم راه‌حل‌های یک بعدی بود: مازوت سوزی. در این صورت چه کسی جواب سرفه‌های مردم و افزایش بیماری‌ها را می‌داد؟

> در یک موضوع ملی، نفع برندگان چه کسانی هستند و زیان‌دیدگان چه کسانی؟ چگونه و با چه تصمیمی می‌توان میان این دو گروه توازن برقرار کرد؟ اصلاً میان نفع و زیان این تصمیم، یعنی مصرف برق یا تنفس مازوت توازنی هست؟ یا اینکه چطور شد که ما مجبور به این انتخاب دشوار شدیم؟

برش

دولت‌ها عصای جادویی ندارند

کمتر کسی به این واقعیت توجه می‌کرد که این مسأله پیچیده، راه‌حل ساده ندارد. دولت‌ها هم عصای جادویی ندارند که با یک تصمیم، یا در یک شب و با یک دستور، همه چیز را حل کنند. کاری که دولت پزشکیان کرد، ابتدا به رسمیت شناختن مسأله بود. اصلاً دولت پذیرفت که مسأله‌ای وجود دارد و در عین حال، با توقف مازوت سوزی، به نوعی اعلام کرد که نمی‌توانم هم خدا را نگه دارم و هم خرما را، مجبور به انتخاب شدم. نکته اینجاست که دولت ابتدا تصمیم گرفت و بعد اعلام کرد. بهترآن بود که ابتدا مسأله را به بحث می‌گذاشت و بعد تصمیم می‌گرفت. یا حالا که اعلام کرد، به صورت مبسوط‌تری دلایل و اسناد پشتیبان تصمیم خود را به اطلاع مردم برسانند تا مردم هم در جریان پیچیدگی این تصمیم قرار بگیرند. اما تا این جا دولت پزشکیان یک سیگنال روشن برای مردم فرستاده است: ما در حوزه برق دچار بحران هستیم و بین تأمین انرژی مردم و تأمین سلامت مردم، مجبور به انتخاب شدیم. منتقدان این تصمیم ادله خود را دارند، اما نکته اینجا است که بسیاری از آنان کسانی هستند که از آن آلودگی‌ها به صورت مستقیم تأثیر نمی‌پذیرند و اینجا خود مسأله دیگری رخ می‌نماید: در یک موضوع ملی، نفع برندگان چه کسانی هستند و زیان‌دیدگان چه کسانی؟ چگونه و با چه تصمیمی می‌توان میان این دو گروه توازن برقرار کرد؟ اصلاً میان نفع و زیان این تصمیم، یعنی مصرف برق یا تنفس مازوت توازنی هست؟ یا اینکه چطور شد که ما مجبور به این انتخاب دشوار شدیم؟ این بحثی است که رسانه‌ها باید به آن بپردازند که نمی‌پردازند، نه بحث تکراری و خسته کننده که، چه کسی مقصر است و چه کسی مقصر نیست.

نخستین سفر مدیر کل آژانس در دولت چهاردهم به ایران انجام می‌شود

«رافائل گروسی» چهارشنبه در تهران

سیاست خارجی

«رافائل گروسی»، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روز چهارشنبه برای دیدار با مقامات جمهوری اسلامی به تهران سفر می‌کند.
او اعلام کرده دیدارهای او در تهران، مبتنی بر گفت‌وگوهایی خواهد بود که پیشتر در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل با «سیدعباس عراقچی»، وزیر امور خارجه ایران از سر گذرانده است. «گروسی» محور مهم سفر پیش رو به ایران را قرار دادن اجرای بیانیه مشترک مارس ۲۰۲۳ در مسیر پیشرفت اعلام کرده و از این منظر سفر خود را بسیار مهم خوانده است. اشاره مدیر کل آژانس به بیانیه‌ای است که در جریان سفر اردیبهشت ماه گذشته او به ایران زیر سایه تفاهم تهران و آژانس صورت گرفت و احیای بیانیه مشترک اسفندماه ۱۴۰۱ را هدف قرار داد. براساس این تفاهم مقرر شد دو طرف روند همکاری خود را در سه محور شامل حل و فصل اختلافات درباره دو مکان ادعایی، بررسی انتظارات متقابل در چهارچوب مقررات «ان پی تی» و برداشتن موانع سیاسی در مسیر همکاری دنبال کنند. بیانیه مشترک ایران و آژانس اواخر زمستان ۱۴۰۱ پس از سفر «گروسی» به ایران منتشر شد که نقشه راهی را برای حل و فصل موضوعات اختلافی ذیل اختیارات نظارتی آژانس در چهارچوب مقررات پادمان هسته‌ای ترسیم می‌کرد. اما کمتر از سه ماه بعد از آن، اجرای این چهارچوب همکاری تحت تأثیر تلاش‌هایی که در نشست وقت شورای حکام زیر سایه رویکرد کشورهای غربی عضو این شورا با همراهی محافل اسرائیلی جریان داشت، با دست‌انداز روبه رو شد که از پیامدهای همسویی مقام‌های آژانس با این کشورها درروند ضدیت با ایران بود؛ محافلی که با طرح و تکرار ادعاهای واهی برآتش موضوعات اختلافی می‌افزودند و آژانس را به ابزاری برای ایجاد فشارهای جدید و متأثرکردن نشست شورای حکام برای تصویب قطعنامه جدید تبدیل کردند.

در گفت‌وگوی تلفنی پزشکیان و بن‌سلمان مطرح شد

روابط ایران و عربستان در نقطه عطف تاریخی

سیاست خارجی

روز گذشته، همزمان با حضور ارتشبد «فیاض بن حامد الرویلی» رئیس ستاد کل نیروهای مسلح عربستان در تهران که در نوع خود بی‌سابقه محسوب می‌شود، رئیس جمهور کشورمان و ولیعهد عربستان سعودی نیز با یکدیگر به صورت تلفنی گفت و گو کردند. مسعود پزشکیان در این تماس تلفنی با «محمد بن‌سلمان» با اشاره به اینکه به دلیل تراکم امور اجرایی نتوانسته دعوت پادشاه این کشور برای شرکت در نشست ویژه سران سازمان همکاری اسلامی را اجابت کند، تصریح کرد: آقای دکتر عارف معاون اول من در این اجلاس حضور خواهد یافت و تردیدی ندارم که این اجلاس با تدبیر جنابعالی نتایج مؤثر و ملموسی در توقف جنایات رژیم صهیونیستی و جنگ و خونریزی در غزه و لبنان خواهد داشت.
رئیس جمهور ابراز امیدواری کرد که با توجه به اراده سران دو کشور روابط فیمابین در همه عرصه‌ها بیش از پیش تعمیق و گسترش یابد.
ولیعهد پادشاهی سعودی نیز در این مکالمه تلفنی با قدردانی از تماس تلفنی رئیس جمهور کشورمان، با بیان اینکه ما شرایط شما را کاملاً درک کرده و برای برادران‌مان در ایران آرزوی موفقیت داریم، اظهارکرد: روابط ایران و عربستان در یک نقطه عطف تاریخی قرار دارد و امیدوارم در همه زمینه‌ها به عالی‌ترین سطوح ارتقا یابد؛ فرصت حضور معاون اول جنابعالی در ریاض را مغتنم شمرده و در همین راستا با ایشان گفت و گو خواهیم داشت.
«محمد بن سلمان» با تکرار دعوت خود برای سفر پزشکیان به عربستان در واکنش به دعوت متقابل رئیس جمهور کشورمان از وی تصریح کرد: سفر به ایران مایه افتخار بنده است و امیدوارم فرصت آن هر چه زودتر مهیا شود.

یادداشت

۱۰۰ روز غیرمنتظره

مهراوه خوارزمی
روزنامه نگار

شنبه گذشته با احتساب آغاز رسمی دوران ریاست جمهوری مسعود پزشکیان پس از برگزاری مراسم تحلیف او در برابر نمایندگان مجلس شورای اسلامی، عمر دولت چهاردهم از مرز صد روزگی گذشت؛ بازه زمانی که به سنت بر جای مانده از دولت یازدهم به فرصتی برای مرور دستاوردهای قوه اجرایی کشور از حیث اثرات تغییر کارگزاران اجرایی بر روندها و رویکردها و نیز تحقق اهدافی که می‌توانند به نحوی جنبه ملموس داشته باشند، تبدیل شده است.
از این منظر، صد روز نخست دولت مسعود پزشکیان اگر چه با شوک ترور جنایتکارانه اسماعیل هنیه توسط رژیم صهیونیستی، آن هم هنگام حضور رهبر حماس در تهران به عنوان یکی از میهمانان رسمی مراسم تحلیف آغاز شد و در شرایط ناشی از اوج گرفتن بحران در منطقه و به شهادت رسیدن پیاپی فرماندهان مقاومت ادامه یافت، اما همین شرایط دولت را در آزمونی قرار داد که علی رغم نوپا بودن تا به اکنون آن را با بهترین وجه از سر گذرانده است.
اجرای عملیات وعده صادق ۲ در پاسخ به جنایات رژیم صهیونیستی اگر چه بر عهده نیروهای مسلح کشور قرار داشت اما تدارک مقدمات دیپلماتیک آن و به منصه ظهور رساندن دیپلماسی فعالی که توانمندانه رژیم اشغالگر را در تلاش مذبوحانه‌اش برای توسعه دامنه جنگ و عملیات ایذایی‌اش علیه ایران ناکام ساخت دستاورد مهمی بود که توانمندی دستگاه دیپلماسی دولت را به نمایش گذاشت. سفرهای سید عباس عراقچی وزیر امور خارجه به کشورهای منطقه و رایزنی‌های او در راستای مدیریت بحران در امتداد سفرهای مهم شخص رئیس جمهور و اعلام مواضع او در نیویورک، بغداد،اربیل، مسکو و ایروان از جمله جلوه های این دیپلماسی فعال بود.
علاوه بر آنکه مواجهه مقتدرانه و یکصدای همه ارکان جمهوری اسلامی ایران در جریان آنچه رخ داد و همراهی و هماهنگی کم‌نظیر جریان‌های مختلف سیاسی با تصمیمات مهمی که اتخاذ شد را نمی‌توان بی‌ارتباط با جاری شدن گفتمانی دانست که مبنای حرکت دولت چهاردهم قرار داشت؛ «وفاق ملی» خود را در هر مرحله از روند تشکیل دولت و ارکان مختلف آن تا نحوه تعامل قوه اجرایی با دیگر قوا و نهادهای حاکمیتی بروز داد.
به این ترتیب دولت چهاردهم در این مدت توانست با محور قرار دادن گفتمانی که ایده اصلی آن به کارگیری همه نیروهای کارآمد و نخبگان توانمند فارغ از مناسبات سیاسی و تعلقشان به این یا آن اقلیت قومی یا مذهبی بود، شرایط را به نفع تقویت انسجام درونی که در بزنگاه مواجهه با تنش‌های بیرونی مهم‌ترین ضرورت است، فراهم آورد. از قبال همین رویکرد بود که در این دولت برای نخستین بار انتصاب یک سیاست‌ورز اهل سنت در جایگاه معاونت ریاست جمهوری محقق شد و استاندارانی از قومیت‌های گرد و بلوچ و عرب به جمع کارگزاران عالی قوه اجرایی پیوستند.
دولت پزشکیان در عمر صد روزه خود با وجود مواجهه کشور با شرایط ویژه‌ای که به آن اشاره شد، علاوه بر انتصابات قابل دفاع دستاوردها و عملکردهای مطلوب متعدد دیگری نیز داشت. راه‌حل‌جویی برای بسیاری از مسائل و مطالباتی که از پیش از آغاز به کار دولت مطرح بودند همچون تأمین منابع مالی مورد نیاز برای اجرای قانون همسان‌سازی حقوق بازنشستگان تأمین اجتماعی، پرداخت کامل بدهی گندمکاران و پرستاران از جمله مواردی بود که بدرستی نشان داد می‌توان در ادامه کار به شیوه دولت چهاردهم در مواجهه با حل مسائل امیدوار بود.
رئیس جمهور و مجموعه کابینه‌اش همچنین در این مدت نشان دادند که با حساسیت مطالبات اقشار مختلف مردم را پیگیری می‌کنند. تصمیماتی که بر اساس چنین اراده‌ای در موضوعات مختلف همچون مسائل مبتلابه دانشگاهیان از جهت تعیین سهمیه‌ها و ظرفیت‌های دانشگاهی انجام شد، تجدید نظر در تنوع واردات گوشی‌های هوشمند و تعرفه وارداتی آن از جمله تصمیماتی بود که در چهارچوب رویکرد پیگیری مطالبات بحق مردم انجام شد.
با وجود همه این کامیابی‌های گام به گام در روند اجرای شعارهایی که رئیس جمهور از ابتدا مطرح ساخته بود؛ واقعیت این بود که دولت چهاردهم کشور را در شرایط مواجهه با بحران‌ها و ناترازی‌های متعدد تحویل گرفت؛ مسائل انباشته ناشی از سال‌ها سوء مدیریت و در عین حال مواجهه با تحریم‌های ظالمانه که خود را هر بار در قامت یک بحران بروز می‌دهند. با این حال عزم و اراده دولت برای مواجهه بنیادین با این مسائل و اجتناب از انکار و سرپوش گذاشتن بر آنها سبب شده است تا در همین مدت رویه متفاوتی از تصمیم‌گیری‌ها را شاهد باشیم؛ از تصمیم به تعطیل کردن معادن ناایمن و تعیین مهلت سه ماهه برای ایمن‌سازی آنها در واکنش به حادثه تلخ معدن زغال سنگ طبس تا دستور اخیر رئیس جمهور برای توقف فعالیت سه نیروگاه برق که به واسطه استفاده از سوخت مازوت و آلایندگی بالا به بلای جان شهروندان تبدیل شده بودند علی‌رغم همه ناترازی که در حوزه برق و انرژی روی دست دولت قرار دارد، از جمله تصمیماتی بودند که از رویکرد متفاوت دولت برای حل مسائل و ابرچالش‌های موجود در کشور حکایت داشتند.
دولت چهاردهم اگر چه از زمان برگزاری نخستین جلسه کابینه هنوز صد روزه نشده است، اما به نظر می‌رسد تا آن موقع در مسیر عملیاتی ساختن بسیاری دیگر از وعده‌های خود حرکت قابل دفاعی داشته باشد. رفع فیلترینگ شبکه‌های مجازی که برای طیف گسترده‌ای از مردم اهمیت دارد، قرار دادن امورات کشور در روندی که خروجی نهایی آن بهبود نسبی معیشت مردم باشد از فهرست مطالبات بحقی هستند که پیش روی دولت قرار دارند و باید امیدوار بود یک به یک از قبال وفاق و همکاری میان ارکان مختلف حاکمیت تحقق یابند و کام ایرانیان را از انتخاب خود شیرین کنند.

دیگه چه خبر؟

در ادامه رزمایش شهدای امنیت

۲ تروریست تسلیم، سه نفر هلاک و ۹ نفر بازداشت شدند

خبر اول اینکه، سخنگوی رزمایش عملیاتی شهدای امنیت قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه گفت: رزمندگان اسلام در قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه در رزمایش عملیاتی شهدای امنیت که از پنجم آبان ماه در سیستان و بلوچستان آغاز شده ضربات سنگینی بر پیکره تیم های تروریستی جنوب شرق کشور وارد کردند. در ادامه اجرای عملیات پاک‌سازی در منطقه رزمایش امروز (یکشنبه) نیز ۳ نفر از تروریست‌های مزدور دشمن به هلاکت رسیده و ۹ نفر دیگر دستگیر شدند. همچنین ۲ نفر دیگر از عناصر تیم‌های تروریستی خود را تسلیم رزمندگان اسلام کردند.
فرماندهان و رزمندگان اسلام با همت و عزم جدی، مصمم به ادامه برخورد با تروریست‌ها و اشرار در منطقه هستند.

توضیح ستاد کل نیروهای مسلح درباره عملیات ارتش پاکستان

گفتنی است گروهک‌های تروریستی وابسته به رژیم صهیونیستی که در نقش پیاده‌نظام امریکا و رژیم صهیونیستی، مرزهای مشترک ایران و پاکستان را صحنه عملیات خرابکارانه خود قرار داده و با ایجاد شرارت و ناامنی، دو سوی مرزهای ایران و پاکستان را جولانگاه اقدامات تروریستی خود کرده بودند، با عملیات نظامی ارتش کشور دوست و برادر، پاکستان مواجه شدند.
به گزارش مرکز ارتباطات ستادکل نیروهای مسلح، بر این اساس ارتش پاکستان روز ۱۵ آبان‌ماه در تداوم مقابله با گروهک‌های تروریستی و جریان‌های برهم‌زننده امنیت، «رأساً» عملیات مقابله با یک گروهک تروریستی تکفیری را در خاک پاکستان فرماندهی و هدایت کرد که در جریان این عملیات شماری از عناصر و عوامل این گروهک، به هلاکت رسیدند.
پیش‌تر برخی رسانه‌های داخلی به نقل از منابع خبری خارجی، مدعی عملیات مشترک ایران و پاکستان علیه یک گروهک تروریستی در خاک آن کشور شده بودند، که این ادعا مورد تأیید نیست.

پایگاه‌های امریکا نگران حمله ایران به اسرائیل

خبر دیگر اینکه، امریکا در حال اجرای برنامه فشرده‌ای برای تقویت پایگاه‌های نظامی خود در کشور سوریه با تجهیزات و تسلیحات متعدد است. روزنامه لبنانی الاخبار امروز با انتشار این خبر نوشت که واشنگتن همچنان در حال تقویت پایگاه‌هایش در الحسکه و دیرالزور با آوردن نیروهای کمکی نظامی زمینی و هوایی است.
الاخبار به نقل از منابع میدانی خود اعلام کرد که انگیزه اصلی واشنگتن از این اقدام، احتمال تشدید حملات مقاومت علیه پایگاه‌های امریکایی و نیز پاسخ احتمالی ایران به تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی است.
براساس این گزارش، این نخستین‌بار است که واشنگتن تجهیزات نظامی پیشرفته از جمله موشک‌های ضدهوایی و باتری‌های پدافند هوایی را به پایگاه خراب‌الجیر و از آنجا به پایگاه‌های مهم‌تری چون العمر و کونیکو در حومه دیرالزور منتقل می‌کند.

نتانیاهو: ۳ بار با ترامپ درباره ایران صحبت کرده‌ام

دست آخر اینکه، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی می‌گوید که در روزهای اخیر سه‌بار با رئیس جمهور منتخب امریکا درباره ایران و مسائل دیگر صحبت کرده است.
به گزارش ایسنا، «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در جلسه روز یکشنبه کابینه، مسئولیت حملات با انفجار دستگاه‌های پیجر در لبنان را برعهده گرفت.
نتانیاهو درمورد انفجار دستگاه پیجر در لبنان گفت: من به هشدارها مبنی بر اینکه واشنگتن با این عملیات مخالفت خواهد کرد، گوش ندادم.
نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی تصریح کرد: انفجار دستگاه‌های پیجر و ترور نصرالله (سیدحسن نصرالله، دبیرکل سابق حزب‌الله) با وجود مخالفت مسئولان ارشد در نهاد امنیتی اسرائیل انجام شد. نتانیاهو گفت: وزیرانی با تصمیم‌هایی که من آنها را تأیید کرده بودم؛ همچون ترور حسن نصرالله و ورود به رفح مخالفت کردند. وی عنوان داشت: با ترامپ سه‌بار طی روزهای اخیر صحبت کردم و ما درمورد «تهدید ایران» توافق داریم.